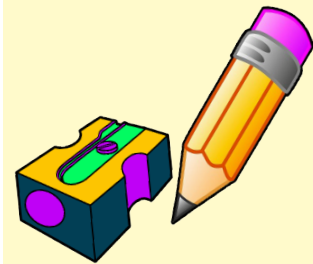




## مداد تراش

باز امشب جشن  
«آب بابا» برپاست  
خط کش و دفتر چه  
پاک کن هم اینجاست  
من مداد خود را  
می برم سلمانی  
چون که باید بروم  
او به این مهمانی  
مرد آرایشگر  
یک تراش زرد داست  
مثل آب خوردن  
کار او بی درد است  
می کند آماده  
او مداد من را  
تا که با او بشود  
جشن امشب بر پا



## فصل بهار را توصیف کنید

گوشی بابای من ۲۸۰ بار اس ام اس برایش فرستاده ایم ولی هیچی نبرده ایم، دیده اند، شروع به آواز خواندن می کنند. یکی از دلایلی که ما از فصل بهار خیلی دوست مان می آید، این است که در این فصل، بچگی بادام ها که به آن چغاله می گویند، روی چرخ دستی بابای منصور اینا به ما چشمک می زند و ما آنقدر به آن ها نگاه می کنیم که آخرش دل مان درد می گیرد و مادر مان به ما می گوید: بچه، تو آخرش جانت را سسر شکمو بودندت می گذاری و سرزای می روی!

یک دلیل دیگر که ما بهار را دوست داریم، این است که وقتی بهار تمام شد، تابستان می آید و ما می توانیم در کوچه فوتبال بازی کنیم، البته ما که هیچ وقت مثل بچه های بی تربیت، در کوچه بازی نمی کنیم و همه تابستان را در خانه می نشینیم و درس می خوانیم ولی علی اینا، همش در کوچه توپ را به شیشه خانه همسایه ما می زنند و آن را می شکنند و بعد می اندازند گردن ما. این بود انشای من.

بهار فصل خیلی خوب و قشنگی است. در این فصل، درخت های داخل پیاده روها توت می دهند و ما صبح که می خواهیم به مدرسه بیاییم، نیم ساعت آن ها را می کنیم و هر روز دیر به مدرسه می رسیم، ولی چون زنگ اول ورزش داریم، اشکالی ندارد و آقای ناظم می گوید، بهتر، چون کمتر مدرسه را روی سرتان می گذارید. فصل بهار همیشه با عید آغاز می شود. من شنیده ام که در قدیم، وقتی عید می شد، بزرگ ترها به بچه ها عیدی می دادند که خیلی خوش به حال شان می شد و اگر بابای شان آن را نمی گرفت، می توانستند با آن کلی لواشک و پفک بخرند.

البته همیشه بابا و مادر مان برای مسافرت رفتن در تعطیلات عید با هم دعوا می کنند که خوشبختانه، این دعوا قبل از عید انجام می شود و مربوط به فصل زمستان است نه بهار. در این فصل پرند ها که از لای میله های قفس، شبکه ۳ تلویزیون و برنامه نود را که ما آقای فردوسی پور را خیلی دوست داریم و تا حالا با



## نقاشی های کوچولو

آرمان علوی ۷ ساله از تهران



فرنوش پورفرجودی  
۵ ساله از تهران



سلام آقا آرمان هتر مند، چه نقاشی زیبایی! این جا کجاست؟ فکر کنم پارک حیواناته! بچه ها یادمون باشه که در پارک ها و فضاهای سبز اشغال نریزیم و بیاریم همیشه طبیعتمون به زیبایی نقاشی آرمان عزیز باشه!

سلام به فرنوش دوست داشتنی، آدمک های نقاشی ات چه شاد و سر حال دست در دست هم مشغول بازی هستن، امیدواریم هم فرنوش، هم همه بچه ها همیشه شاد و سر حال باشن امرسی فرنوش جان که این نقاشی رو برامون فرستادی.